

- مدیر مسئول:**
- محمد امین ایمانجانی
- سردبیر:**
- مسعود فروغی
- تلفن و فکس:**
- ۰۲۱ ۶۲۹۹۹۴۹۵
- کد پستی:**
- ۱۱۳۵۳۳۸۱۶
- چاپ:**
- چاپخانه دانشگاه آزاد اسلامی
  - خیابان حافظ، پایین تر از جمهوری
  - روبه‌روی ساختمان بورس
  - ساختمان فرهیختگان، طبقه سوم

با اعلام مرکز آمار نرخ رشد فصل دوم سال ۷.۱ شد، چرا این عدد مهم است؟

# رشد اقتصادی تابستان بالای ۷ ماند



مرکز آمار ایران روز گذشته نتایج رشد اقتصادی تابستان را اعلام کرد. بر اساس آخرین نتایج حساب‌های ملی فصلی مرکز آمار ایران، محصول ناخالص داخلی (GDP) به قیمت ثابت سال ۱۳۹۰ در تابستان سال ۱۴۰۲ به رقم ۲۱۹ هزار میلیارد تومان با نفت و ۱۸۵ هزار میلیارد تومان بدون احتساب نفت رسیده است که حکایت از رشد ۷.۱ درصدی محصول ناخالص داخلی با نفت و ۶.۲ درصدی محصول ناخالص داخلی بدون نفت دارد. گزارش مرکز آمار ایران نشان می‌دهد رشد بدون نفت و با نفت فعلی محصول ناخالص داخلی علاوه بر اینکه تداوم چندین فصل رشد مثبت بوده، بدون در نظر گرفتن سال پرچمی (۱۳۹۵) از جمله رشدهای بالای ۶۲ فصل اخیر (از بهار ۱۳۸۷ تا کنون) است. لازم به ذکر است رشد اقتصادی بیان‌کننده رشد مداوم تولید بوده که اغلب با تغییرات ساختاری همراه می‌شود. این شاخص به معنای افزایش حجم ارزش مجموعه کالاها و خدمات تولید شده در طول یک سال در کشور به صورت تعدیل شده با تورم بوده و از تغییر شاخص تولید ناخالص داخلی ملی در دو سال متوالی به دست می‌آید. هرچه تولید ناخالص داخلی نسبت به سال قبل بیشتر باشد، نرخ رشد اقتصادی نیز بیشتر خواهد شد.

## تداوم رشد ۷ درصدی

بر اساس آخرین نتایج حساب‌های ملی فصلی مرکز آمار ایران، تولید ناخالص داخلی به قیمت ثابت سال ۱۳۹۰ در سه ماهه اول سال ۱۴۰۲ با نفت به رقم ۲۱۹ هزار میلیارد تومان و بدون نفت به ۱۸۵ هزار میلیارد تومان رسیده است. با این حساب، رشد اقتصادی با نفت ۷.۱ درصد و بدون نفت ۶.۲ درصدی در تابستان سال ۱۴۰۲ به ثبت رسیده است. گاهی به وضعیت رشد اقتصادی با نفت در ۶۲ فصل اخیر (از بهار ۱۳۸۷ تا کنون) نشان می‌دهد رشد اقتصادی بدون نفت بهار تابستان نشان از تداوم رشد در نظر گرفتن سال ۱۳۹۵ (سال اول برجام و افزایش قابل توجه فروش نفت) از جمله رشدهای بالای ۶۲ ماه اخیر بوده است. در خصوص رشد اقتصادی بدون نفت نیز، رشد ۶.۲ درصدی فعلی تداوم رشد مثبت اقتصادی طی ۱۳ فصل اخیر است. این موضوع از این منظر مهم است که رشد اقتصادی بدون نفت، یک رشد با کیفیت‌تر بوده که اگر آن را در کنار رشد مثبت تشکیل سرمایه بگذاریم، اتفاق مثبتی بوده است. همچنین باید توجه داشت رشد مثبت ۶.۲ درصدی بدون نفت تابستان در شرایط رقم می‌خورد که بنگاه‌های اقتصادی کشور همچنان از ناحیه کمبود برق و قطعی آن زنج می‌برند و رشد بخش برق و رشد بخش کشاورزی نیز منفی بوده است.

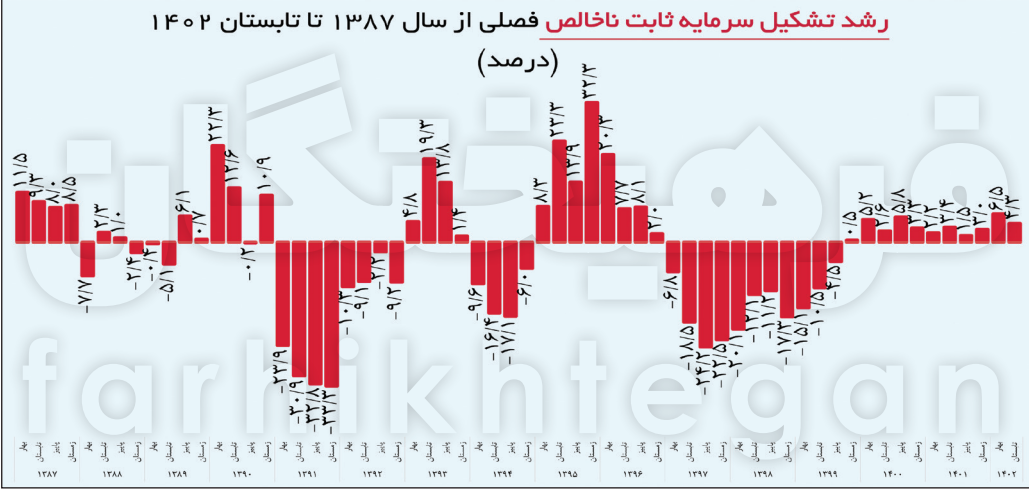
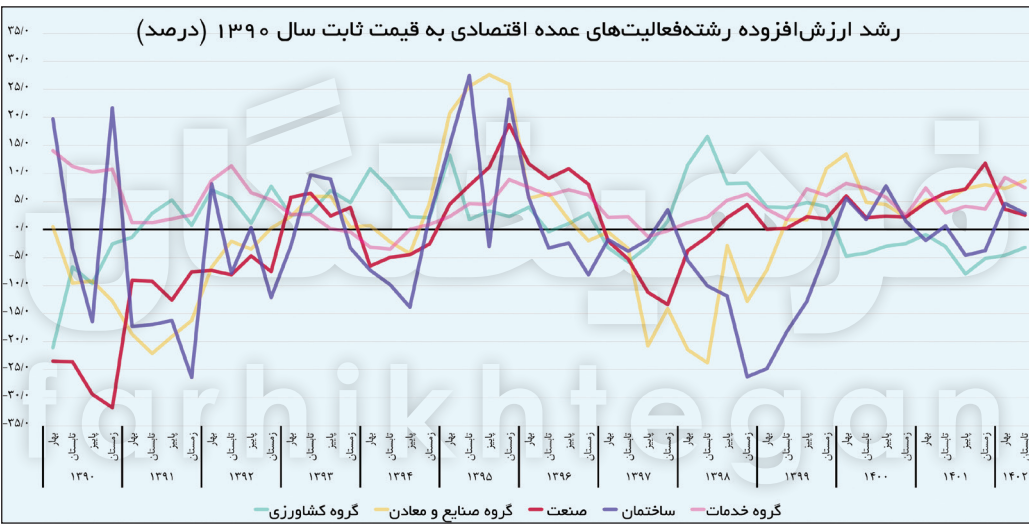
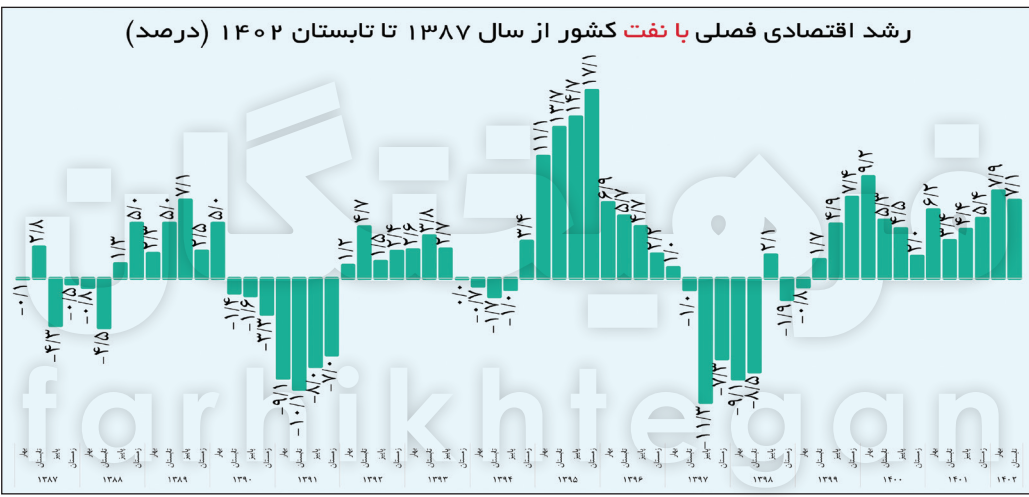
## تکرار رشد مثبت ۱۶ ماهه صنعت

گزارش مرکز آمار ایران از رشد ارزش افزوده رشته‌فعالیت‌های عمده اقتصادی به قیمت ثابت سال ۱۳۹۰ نشان می‌دهد طی تابستان ۱۴۰۲ بالاترین رشد رشته‌فعالیت‌ها مربوط به بخش استخراج نفت و گاز با ۲۵.۶ درصد بوده است. این میزان در بهار ۱۴۰۲ نیز ۱۹.۸ درصد بوده که هر دو بالاترین مقدار چند فصل اخیر هستند. پس از بخش نفت، بالاترین رشد ارزش افزوده در بین رشته‌فعالیت‌های عمده اقتصادی مربوط به گروه صنایع و معادن ۸.۷ درصد، گروه خدمات ۷.۵ درصد، گروه ساختمانی ۶.۸ درصد، صنعت بافندگی ۶.۲ درصد و بخش کشاورزی با منفی ۳.۲ درصد بوده است. در بخش خدمات بالاترین رشد در زیربخش‌های مربوط به بخش خدمات عمومی و اجتماعی و شخصی با ۳۳.۵ درصد و واسطه‌گری مالی با ۱۶.۸ درصد رشد بوده است. این موضوع نشان می‌دهد در کنار بخش نفت

بخش‌های غیرتولیدی همچون واسطه‌گری‌های مالی رشد قابل توجهی دارند. اقتصاددانان بر همین اساس رشد اقتصادی را در یک طیف رشد اقتصادی با کیفیت و رشد اقتصادی بی‌کیفیت تقسیم‌بندی می‌کنند که منظور بخش بی‌کیفیت اولاً بخش نفت بوده که رشد اقتصادی ناشی از آن معمولاً ناپایدار و ناشی از گشایش‌های سیاسی در اقتصاد ایران بوده است. آمارها نشان می‌دهد یکی از اتفاقات مثبت سال‌های اخیر، تکرار ۱۶ ماهه رشد مثبت رشته‌فعالیت بخش صنعت است. در کنار بخش صنعت رشد مثبت ۲ فصل اخیر بخش ساختمان و تداوم ۱۸ ماهه رشد مثبت بخش خدمات نیز حائز اهمیت است. اما در بین رشته‌فعالیت‌های رشد بخش کشاورزی طی ۱۰ فصل اخیر (از بهار ۱۴۰۰ تا کنون) همواره منفی بوده و در دو فصل بهار و تابستان به ترتیب منفی ۴.۶ و منفی ۳.۲ را به ثبت رسانده است. تداوم خشکسالی‌ها احتمالاً مهم‌ترین دلیل رشد منفی این بخش بوده است.

## تداوم ۱۱ فصل رشد مثبت تشکیل سرمایه

از جمله شاخص‌های مهم در داده‌های حساب‌های ملی، آمار و ارقام تغییرات نرخ تشکیل سرمایه ثابت ناخالص است. سرعت بخشیدن به رشد اقتصادی و تداوم آن از دیدگاه بسیاری از اقتصاددانان نیازمند افزایش در نرخ انباشت سرمایه و حفظ توازن در بخش‌های اقتصادی است. از دیدگاه اقتصاددانان، سرمایه‌گذاری بی‌ثبات‌ترین جزء تولید ناخالص داخلی بوده که این بی‌ثباتی خود عامل بروز نوسانات در تولید، درآمد و اشتغال است، به‌ویژه تغییرات نامنظم تولید ناخالص داخلی را قویاً نتیجه نوسانات نامنظم در تقاضاهای سرمایه‌گذاری می‌داند. به عبارتی، سرمایه‌گذاری به عنوان یکی از اجزای تابع تقاضای کل، انتظار می‌رود عامل رشد تولید، درآمد و اشتغال کشور شود، در صورت نوسانات نامنظم، می‌تواند خود منشأ بی‌ثباتی تولید ناخالص داخلی و کاهش سطح درآمد و پس‌انداز داخلی گردد. تشکیل سرمایه در اقتصاد ایران از دیرباز به دلایل گوناگون از جمله وابستگی ساختاری اقتصاد ملی به درآمد نفت، نوسانات نرخ ارز، بی‌ثباتی قیمت‌ها، گسترش حوزه مداخله دولت در اقتصاد، سهمیه‌بندی اعتبارات سیستم بانکی و عدم تداوم فضای اجتماعی اطمینان بخش، با نوسانات و تنگناهای زیادی مواجه بوده است. کشور ما علی‌رغم دستیابی به منابع مالی حاصل از صادرات نفت، قادر به افزایش ظرفیت تولیدی و بالابردن سطح درآمد‌ها و پس‌اندازها و به دنبال آن، اصلاح فرآیند تولید و سرمایه‌گذاری از محل پس‌اندازهای جاری نبوده است به نحوی که به سبب وجود تنگناها و موانع ساختاری در بخش عرضه که خود ناشی از کمبود سرمایه است، ریسک و مخاطره سرمایه‌گذاری افزایش یافته و موجب گردیده است تا افراد و صاحبان منابع، کمتر منابع مالی خود را در بخش‌های تولیدی به کار گیرند و از این رو امکانات جذب سرمایه در اقتصاد کشور ضعیف شود. همان‌طور که در نمودار هم‌قابل مشاهده است، این وضعیت با تشدید تحریم، التهابات ارزی و همچنین شرایط رکودی دوره شیوع کرونا در کشور، وضعیت بسیار نامطلوبی داشته است، به‌طوری‌که در سال ۱۳۹۱ میزان رشد تشکیل سرمایه در کشور حتی به منفی ۳۳ درصد نیز رسیده است. این وضعیت در نتیجه شروع تحریم‌ها، جهش‌های ارزی و شروع شیوع کرونا، طی سال‌های ۱۳۹۷ تا ۱۳۹۹ نیز تکرار شده و رشد فصلی تشکیل سرمایه ثابت ناخالص حتی به منفی ۲۴ درصد نیز در پاییز ۱۳۹۷ هم رسیده است. آمارها نشان می‌دهد از بهار ۱۴۰۰ به بعد رشد تشکیل سرمایه ثابت ناخالص مثبت بوده و در فصل تابستان ۱۴۰۲ به مثبت ۶.۳ درصد رسیده است که تسهیل و افزایش واردات اقلام سرمایه‌ای و ماشین‌آلات و رشد بخش ساختمان دلایل این اتفاق بوده است.



## چرا آمار صادرات کمتر از میزان واقعی گزارش می‌شود؟

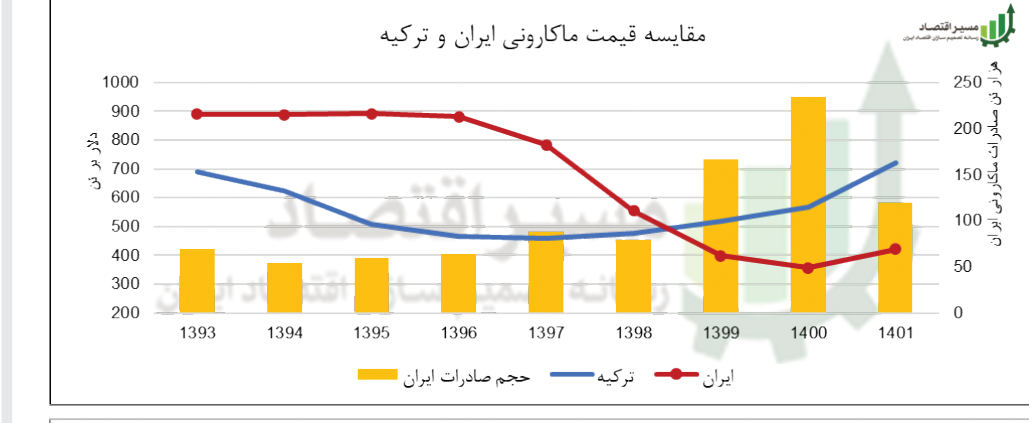
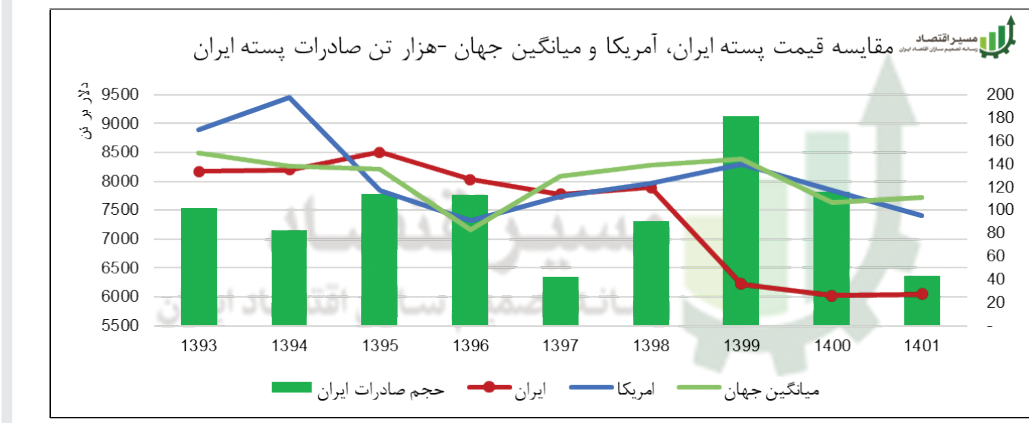
بر اساس گزارش رسانه «مسیر اقتصاد» آغاز سیاست الزام به بازگشت ارز صادراتی از سال ۹۷، ارزش پایه کالاهای غیربورسی در گمرک را با افت روبه‌رو کرد. تا پیش از آن بالا بودن ارزش گمرکی به صادراتکننده کمک می‌کرد مشوق صادراتی بیشتری دریافت کند اما پس از سال ۱۳۹۷ بالا بودن ارزش گمرکی به معنای آن بود که صادراتکننده باید از بیشتری راه به نظام بانکی تحویل دهد. افت ارزش پایه اعلام‌شده توسط گمرک در ارقام عمده صادراتی همچون مواد خوراکی و مصالح ساختمانی موجب تورش سالانه بیش از یک میلیارد دلار در آمار صادرات غیرنفتی شده است. بر اساس قانون امور گمرکی جمع‌آوری و انتشار آمار واردات و صادرات کالا از کشور بر عهده گمرک و مبتنی بر فاکتور و اسناد مبادله خرید و فروش است. اما در صورتی که اسناد مبادله قابل قبول نباشد، گمرک می‌تواند ارزش کالای صادراتی را با استعلام از مراجع ذی‌ربط و بر اساس قیمت عمده‌فروشی کالا در بازار داخلی با تعدیلات لازم در خصوص تجارت فرامرزی تعیین کند. از بهمن ۱۳۷۳ اسفند ۱۳۸۰ سیاست پیمان‌سپاری ارزی برقرار بود و صادراتکنندگان باید پیش از انجام صادرات به میزان ارزش کالای صادراتی نزد بانک وثیقه (ارزی و ریالی) می‌گذاشتند و متعهد می‌شدند ارز حاصل از صادرات را به بانک مرکزی بفرستند. این سیاست در سال ۱۳۸۱ با یکسان‌سازی نرخ ارز و مقررات‌زدایی از صادرات متوقف شد. از سال ۱۳۸۰ در قالب بودجه سالانه، برای برخی از کالاهای خاص جایزه صادراتی در نظر گرفته شد. بر اساس این سیاست ۰.۵ تا ۴ درصد ارزش کالا جایزه صادراتی در نظر گرفته شد که از سوی ادارات توسعه صادرات استان‌ها به صادراتکننده پرداخت می‌شد. این سیاست تا پایان برنامه چهارم توسعه ادامه داشت و تمدید نشد. در قالب برنامه پنجم توسعه به عنوان سیاست جایگزین برای تشویق به صادرات اخذ هرگونه مالیات از صادرات کالاهای غیرنفتی ممنوع اعلام شد. بنابراین از سال ۱۳۹۰ تا کنون صادرات کالا از ارزش افزوده معاف است و ارزش صادراتی کالا به منظور لحاظ در پرونده مالیاتی شرکت و بازپس‌گیری سهم فروش خارجی از مالیات، مورد استفاده قرار می‌گیرد. از سال ۱۳۹۷ و در قالب مصوبات کمیته اقدام ارزی و پس از آن در قالب قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز صادراتکنندگان موظف هستند ارز حاصل از صادرات خود را به روش‌های مختلف به شبکه بانکی برگردانند. سیاست رفع تعهد ارزی که هم‌اکنون در حال پیگیری است.

## تخمین بیش از ۱ میلیارد دلار تورش در آمار صادرات

طبق نمودار ارزش گمرکی کالای صادراتی طی دهه ۹۰ در صورت افت ناگهانی این ارزش برای ایران می‌توان گفت ارزش گمرکی بخشنامه‌ای گمرک هم فرآیند رفع تعهد ارزی و هم تحلیل شاخص‌های اقتصادی را دچار خطا کرده است. به‌طور مثال در مورد محصول قیمت، قیمت بسته‌بندی ایران تفاوت چندانی با میانگین جهانی و بسته آمریکا نداشته و تا پیش از سال ۱۳۹۷ هم روند بودند. اما بعد از ارزش‌گذاری بخشنامه‌ای گمرک ناگهان میانگین ارزش پسته ایران از ۸۰۰۰ دلار برتن به ۶۰۰۰ دلار کاهش یافته است. میانگین ارزش ماکارونی صادراتی جهان بیش از ۱۵۰۰ دلار برتن است. اما طبق نمودار ارزش ماکارونی ایران همچون ترکیه پایین‌تر از میانگین جهانی و در حدود ۹۰۰ دلار برتن بوده است. با این حال پس از تعیین ارزش بخشنامه‌ای گمرک در سال ۱۳۹۷، ناگهان ارزش ماکارونی صادراتی به پایین‌تر از ۵۰۰ دلار برتن رسیده است. با وجود روند صعودی که ارزش ماکارونی در سطح جهانی دارد، ارزش گمرکی این محصول در ایران (احتمالاً به دلیل اثرگذاری غیرمستقیم که بر بازار داخل دارد) همچنان پایین‌نگه داشته شده است. اگر ارزش‌گذاری کالای صادراتی بعد از سال ۱۳۹۷ با همان شیوه قبل از سال ۱۳۹۷ انجام می‌شد صرفاً در شش قلم کالای مذکور سالانه بیش از ۹۰۰ میلیون دلار به آمار صادرات کشور افزوده می‌شد.

## نقض غرض «رفع تعهد ارزی» در ترکیب با ارزش‌گذاری گمرکی

هدف از رفع تعهد ارزی شفافیت بخش رسمی اقتصاد خصوصاً بازار آزاد بوده، با این حال در هر دو راهی با سایر عوامل موجب شده است بخشی از فروش خارجی کشور از همان ابتدا از بخش رسمی اقتصاد خارج شود و حتی در صورت‌های مالی تولیدکنندگان نیز منعکس نشود؛ چراکه از نظر سازمان امور مالیاتی نیز ارزش کالای صادرشده معادل همان مبلغی است که گمرک تعیین می‌کند.



**۲ توصیه سیاستی با هدف اصلاح نظام ارزی صادرات**

ارزش‌گذاری گمرکی کالاهای خوراکی، مصالح ساختمانی و کالاهای دارای شرایط مشابه که قیمت‌شان مبتنی بر بورس نیست، به دلیل آنکه موجب «کم‌اظهاری اجباری صادرات به مقدار تخمینی سالانه یک میلیارد دلار» شده، نیازمند بازنگری جدی است. وضعیت فعلی صادرات ایران دارای یک مزیت است که هم بیش‌اظهاری و هم کم‌اظهاری برای صادراتکننده مضر خواهد بود. در صورتی که صادراتکننده ارزش کالای صادراتی خود را بیشتر اعلام کند مجبور است ارزش بیشتری را با قیمت‌نمایی برگرداند، اما اگر ارزش کالای خود را کم اعلام کند نیز از معافیت ارزش افزوده کمتری برخوردار می‌شود. با این حال از آنجا که بازگشت ارزش افزوده توسط سازمان مالیات با دشواری و بعضاً با دو سال تاخیر همراه است تمایل صادراتکننده به کم‌اظهاری است. با تسهیل معافیت مالیاتی یک وضعیت تعادل پایدار برای صادراتکننده پدید می‌آید که اعتماد به خوداظهاری او را ممکن می‌کند. ایجاد یک پایگاه داده غیرمتمرکز (بر بستر بلاک‌چین) از این داده‌ها و تقاطع آن با پایگاه‌های مختلف قیمت‌های جهانی می‌تواند برای صحت‌سنجی راهکار اول مورد استفاده قرار بگیرد. این پایگاه داده باید یک کریپتو قیمتی محرمانه برای کالاهای ایجاد کند و اجازه اظهار ارزش در خارج از آن بازه را به صادراتکننده ندهد.